

مواجهه ائمه علیهم السلام با غلات

رویا باقری^۱

چکیده

یکی از جریان‌های انحرافی که از صدر اسلام شروع شده و در ادوار تاریخی مختلف روند رو به رشدی پیدا کرد جریان غلات بود. این گروه مشکلات بسیاری برای جامعه اسلامی ایجاد کردند به طوری که آثار سوء تفکرات و فعالیت‌های آنها هنوز در جوامع اسلامی به خصوص در منابع دینی قابل مشاهده است. امامان در برابر این گروه عملکردی شبیه به هم داشتند. بررسی گزارش‌ها و روایات بیانگر آن است که ابعاد مختلف برخورد امامان با این جریان از دو نظر شبیه یکدیگر بود؛ پیشگیری از بروز و ظهور، برخورد و درمان. برای عده‌ای پیشگیری معنا داشت مانند مواردی که امام در صدد روشنگری و تبیین عقاید صحیح شیعی است و قصدش مبتلا نشدن شیعیان در دام این گروه‌هاست. در مرحله بعد درمان و برخورد قهری است.

واژگان کلیدی: ائمه علیهم السلام، جریان‌های انحرافی، غلات.

۱. مقدمه

ائمه علیهم السلام در مقابل انحرافات که در جامعه اسلامی بوجود می‌آمد عکس‌العمل نشان می‌دادند و با فرقه‌های منحرف برخورد لازم را متناسب با هر یک از این انحرافات داشتند. از فرقه‌هایی که در کتب ملل و نحل اغلب به شیعه منتسب شده، غلات‌اند که دارای عقاید غلوآمیز نسبت به ائمه علیهم السلام بوده و به همین رو مورد تکفیر و بیزاری آن بزرگواران قرار گرفته‌اند.

در خصوص نوع برخورد و تعامل ائمه علیهم السلام با این گونه فرقه‌های انحرافی نویسندگان زیادی دست به قلم شده و در این خصوص نگاشته‌اند. مانند کتاب غلات از دیدگاه امام جعفر صادق علیه السلام تألیف محمد باقر علم الهدی و کتاب شیوه‌های برخورد امام صادق علیه السلام با غلو و غلات، تألیف علیرضا انصاری و همچنین کتاب غلات اثر ناصر خدابنده و مواردی از این قبیل می‌باشد. که در اکثر این منابع تعامل و برخورد همه معصومین علیهم السلام مورد توجه قرار نگرفته و به نوعی بخشی

۱. دانش‌پژوه دکتری تاریخ اهل بیت علیهم السلام، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، ایران.

از این موضوع را پوشش داده است. در نتیجه در این مقاله سعی شده تا رویکرد و برخورد همه معصومین علیهم السلام در یک دسته بندی کلی مورد توجه قرار گیرد.

۲. مفهوم شناسی

۱-۲. غلو

غلو در لغت به معنی بالا رفتن و تجاوز از حد به کار رفته است. (فراهیدی، ۱۴۰۹؛ ابن منظور، ۱۴۰۵؛ زبیدی، بی تا، ذیل ماده غلو) در کتب ملل و نحل غلات را کسانی دانسته اند که معتقد بودند امامان خدا هستند یا روح خدا به بدن آنان حلول کرده است. این کتاب ها مصداق غلات را شیعیان دانسته اند. در علم کلام و رجال شیعه نیز بازگشت این بحث به اختلاف نظرهایی که در مورد عصمت و غیب وجود داشت، باز می گردد به طوری که برخی متکلمین کسانی را که قائل به عدم جواز سهوالنبی بودند متهم به غلو کرده اند. در باب علم غیب نیز کسانی را که معتقد بودند امامان علم تفصیلی به همه جزئیات و امور عالم داشته اند، غالی دانسته اند (ر.ک. صفری فروشانی، ۱۳۷۸، ص ۳۵ - ۳۴).

۱-۱-۲. غلو در قرآن

روایات این کلمه در قرآن در مورد غلو دینی در دو مورد به کار رفته است.

ای اهل کتاب در دین خود غلو مکنید و درباره خدا جز [سخن] درست مگویید. مسیح فقط پیامبر خدا و کلمه اوست که آن را به سوی مریم افکنده و روحی از جانب اوست، پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و نگویید [خدا] سه گانه است. باز ایستید که برای شما بهتر است. خدا فقط معبودی یگانه است. منزه از آن است که برای او فرزندی باشد. آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از آن اوست و خداوند بس کارساز است. (نساء: ۱۷۱؛ مائده: ۷۱)

در قرآن خداوند اهل کتاب را به دلیل غلو در دین و اعتقاد آنها نسبت به حضرت عیسی علیه السلام که او را فرزند خدا دانسته و اعتقاد به تثلیث داشتند، مورد سرزنش قرار داده است. در مورد غلو و غلات در کتاب های روایی شیعه نیز مطالب زیادی وجود دارد. (مجلسی، ۱۹۸۳، ۲۵ / باب نفی الغلو عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم و الائمه علیهم السلام)

موارد بسیاری از غلو را در ادیان سابق می توان یافت. سرزمین مصر از خاستگاه های جریان غلو بوده است. مردم مصر حیوانات، گیاهان، رودها و مواردی از این قبیل را می پرستیدند. در هند باستان نیز مردم مظاهر طبیعت و حیوانات را مقدس شمرده و می پرستیدند. چینی ها ابتدا ارواح

اجداد و نیاکان خود را می پرستیدند، سپس به پرستش طبیعت رو آوردند. ژاپنی‌ها پادشاهان خود را مقدس دانسته و می پرستیدند. در یونان و روم نیز نمونه‌هایی از پرستش طبیعت به چشم می خورد. در ایران نیز آتشکده‌ها بیانگر تقدس آتش در میان مردم بود. پرستش ستارگان و بت‌ها در میان اعراب جاهلی رایج بود. (صفری فروشانی، ۱۳۷۸، ص ۲۹)

۲-۱-۲. علل پیدایش غلات

گزارش‌های تاریخی و روایاتی که در رابطه با غلات وجود دارد، بیانگر دلایل و انگیزه‌های پیدایش این جریان است. مهمترین این دلایل عبارت است از:

الف) جهل و نادانی مردم که توان هضم معجزه یا کرامت‌هایی که از امامان صادر می شد را نداشته و به غلو کشیده می شدند.

ب) انگیزه‌های مادی و دنیایی نیز از دیگر علت‌هاست. گسترش جریان تشیع و در نتیجه حجم بسیار وجوهاتی که در میان وکلای ائمه جابه جا می شد، زمینه انحراف و غلو را در میان برخی وکیل‌ها فراهم می کرد. به طوری که در دوران امام کاظم علیه السلام همین مسئله موجب طمع و خیانت وکیلان ایشان شد. (کشی، بی تا، ص ۴۶۰ - ۴۵۹)

ج) محبت بیش از حد نسبت به امامان؛ عامل دیگری که در کنار جهل و نادانی قرار گرفته و غلو افراد را به دنبال داشت، محبت بیش از حد نسبت به امامان یا دیگر افراد بود. گزارش‌هایی که در مورد غلات در متون روایی ما وجود دارد بیانگر این مطلب است. ابو خالد کابلی از امام سجاد علیه السلام نقل کرد:

شدت علاقه یهود به عزیر باعث شد او را خدا بدانند. نصاری نیز عیسی علیه السلام را تا جایی دوست داشته که معتقد به خدایی وی شدند. شیعیان ما نیز بر همین راه رفتند و از شدت محبت ما درباره ما همان چیزی را گفتند که یهود و نصاری در مورد پیامبران خود گفتند. (الخویی، ۱۴۱۳، ۱۳۴/۱۵)

د) رهایی از محدودیت‌های دینی: از دیگر عللی است که به روی آوردن مردم به غلو کمک می کرد. نگاهی به برخی اعتقادات باطل که این گروه داشته و آنها را رواج می دادند به خوبی بیانگر علت ذکر شده است. برخی تعصبات بیش از حد دینی را نیز در زمره علت‌ها قرار داده و ماجرای انکار رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (الهیثمی، ۱۴۰۸، ۵/۱۸۲؛ شریف المرتضی، ۱۴۱۴، ص ۲۴۱) به وسیله عمر را نوعی غلو دانسته‌اند، اما این نظر ضعیف به نظر می رسد؛ زیرا در تحلیل انکار مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به وسیله عمر می توان گفت: این عملکرد عمر در حقیقت به دلیل فراهم کردن فرصتی برای آمدن ابوبکر به مدینه - که در این زمان در مدینه نبود - و تأخیر در جریان انتخاب جانشین - بود.

ذ) مواضع ائمه علیهم السلام در برابر غلات: برای دستیابی به مواضع و روش های مواجهه امامان علیهم السلام با جریان غلات، بررسی روایات و گزارش های تاریخی در این زمینه مناسب ترین راه است. توجه به شرایط و مقتضیات زمان و ویژگی های فرد غالی نیز ضروری است. نکته مهم در این مورد اصول ثابت و مشترکی بود که در برخورد امامان علیهم السلام با این جریان وجود داشت. به طوریکه می توان آنها را در قالب مرحله بندی خاصی قرار داد. این مرحله بندی از برخوردهای اصلاح گرایانه و ارشادی آغاز و در صورت عدم تأثیر ورود به مراحل دیگر را به دنبال داشت. این برخوردها هم نسبت به خود غلات و هم آن دسته از شیعیانی که با آنان مرادوه داشتند قابل بررسی است. (بختیاری، ۱۳۹۱، ص ۹۵)

۳. روشنگری و تبیین اعتقادات صحیح اسلامی

در بررسی گزارش هایی که در مورد غلات وجود دارد اولین برخوردی که از ناحیه ائمه علیهم السلام به چشم می خورد توجه دادن به عقاید صحیح اسلامی است. این تبیین در همه زمینه های اعتقادی مانند: توحید، نبوت، امامت و فروع دینی است. بیشترین تأکید در سخنان امامان بر بنده بودن ایشان است. امام صادق علیه السلام در برابر این اعتقاد غلات که امامان رزق و روزی مردم را اندازه و مقدر می کنند، فرمود: «من خودم نسبت به تهیه غذا برای خانواده ام فکرم مشغول بود تا توانستم رزق آنها را تأمین کنم و خیالم راحت شود» (مجلسی، ۱۹۸۳، ۳۰۱/۲۵).
 هروی از امام رضا علیه السلام پرسید:

مردم مطالبی از شما نقل می کنند و می گویند شما آنها را بندگان خود می دانید. امام آیه «اللهم فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهاده» را تلاوت کرد، سپس او را شاهد گرفت که چنین اعتقادی نداشته و از هیچ یک از پدران هم چنین چیزی نشنیده است. امام در این گفت و گو برای بطلان سخنان مردم استدلالی ارائه داد که اگر این سخن آنان - که همه مردم بندگان ما هستند - درست باشد ما آنها را به چه کسی بفروشیم؟ (مجلسی، ۱۹۸۳، ۲۶۸/۲۵)، سپس فرمود: «منظور ما این است که مردم بندگان ما در لزوم اطاعت از ما هستند» (مجلسی، ۱۹۸۳، ۲۹۸/۲۵).

امام صادق علیه السلام در گفت و گویی که با سدید داشت در پاسخ سؤال وی در مورد جایگاه و مقام واقعی آنها به برخی از ویژگی های خود و پدرانشان مانند ما خزانه های علم و ترجمان وحی الهی هستیم، دارای مقام عصمت هستیم، خداوند به اطاعت از ما و ترک مخالفت با ما امر کرده است، ما حجت بالغه خدا بر بندگانیم، استدلال کرد. (الکافی، ۱۳۶۳، ۲۸۰/۱، ۲۷۹؛ مجلسی، ۱۹۸۳، ۲۹۸/۲۵)

در یکی از توقیعات امام زمان علیه السلام که ردی بر غلات است و در جواب نامه محمد بن علی بن هلال نوشته شده است، امام نکات مهمی را تبیین کرده است. (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲/۴۷۳)

- هرگز ما در علم و قدرت شریک خداوند نیستیم و او منزله از این توصیفات است.

- احدی جز خداوند علم غیب ندارد همان طور که در کتابش فرموده: «لا یعلم من فی السموات و الارض الغیب الا الله».

- من و همه پدرانم از آدم و نوح تا محمد رسول خدا و علی بن ابیطالب و همه امامان تا خود من همگی بندگان خداییم.

- جاهلان و احمقان شیعه باعث آزار من شده اند.

- امام خدا و پیامبر و ملائکه و انبیا و هر کسی که نامه او را می خواند شاهد بر این مطلب گرفت که برائت و بیزار است از کسی که ادعا کند امام غیب می داند یا در ملک با خدا شریک است یا مقام و جایگاهی بیش از آنچه که خدا برایش قرار داده قائل باشد.

- زمانی که مصادف از کوفه برای امام صادق علیه السلام خبر آورد:

گروهی در کوفه شما را خدا دانسته و برایتان تلبیه گویند. امام به شدت ناراحت شده به سجده رفت و مرتب می گفت: بل عبدالله. به طوری که مصادف پشیمان و ناراحت شد که چرا این خبر را داده است. امام فرمود: اگر عیسی علیه السلام نسبت به سخنانی که نصاری در موردش می زدند، ساکت می نشست خداوند حق داشت گوشش را کرو چشمش را کور کند. همین طور اگر من در برابر این سخنان ساکت نشینم خدا حق داشت با من نیز چنین کند. (طوسی، ۱۴۰۴، ۲/۵۹۰)

در بررسی و تحلیل این گزارش می توان گفت:

- این گزارش و دیگر روایاتی که در این باب وجود دارد بیانگر بستر اجتماعی عصر امامان به خصوص عصر امام صادق علیه السلام است. عصر امام صادق علیه السلام اوج فعالیت غلات است. به طوری که

کوفه مرکز شیعیان است و غلات به راحتی در آن تجمع کرده و به تبلیغات سوء خود دامن می زدند.

- شبهات و تبلیغات غلات نه تنها در میان افراد عادی ایجاد شک و تردید کرده بلکه برای

خواص هم مورد سؤال بود. به طوری که در گزارش های زیادی یاران به امام مراجعه کرده و

پیرامون سخنان و اعتقادات انحرافی غلات سؤال کرده و کسب تکلیف می کردند.

- امامان علیهم السلام همیشه در برخورد با این گروه و سؤالات و شبهات مطرح شده موضعی مثبت

داشته و ابتدا به تبیین عقائد صحیح پرداخته و در این تبیین مهمترین نکته رد الوهیت و صفات

خدایی برای امامان بود.

- امام در تبیین عقاید صحیح اسلامی مردم را به حافظه تاریخی رجوع داده و به آنها می‌گفت مسائلی که در میان شما مطرح شده در ادیان سابق مانند یهود و نصاری وجود داشته است، پس دقت کرده و عبرت بگیرید.

امام صادق علیه السلام در برخوردی دیگر به یاران خود فرمودند:

مغیره با سخنانی که می‌گوید بر پدرم دروغ و افترا می‌بندد. قسم به خدا که ما فقط بندگان خداوندیم که او ما را خلق کرده و برگزیده. ما می‌میریم و به خاک سپرده شده، سپس زنده می‌شویم و در قیامت مورد سؤال قرار می‌گیریم. (طوسی، ۱۴۰۴، ۲/۲۸۹)

امام هادی علیه السلام در پاسخ برخی از یارانشان در مورد عقاید علی بن حسکه در ضمن نامه‌ای به رد عقاید ابن حسکه و تبیین صحیح اصول اعتقادی پرداختند. در این نامه تأکید امام بر بندگی و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله، اقامه حج، زکات، روزه و اطاعت از دستورات خداوند بوده است. (کشی، بی تا، ص ۵۱۸) گاهی یاران امام در دیدار با ایشان از آنچه در بین مردم از این اعتقادات رایج بود سؤال می‌کردند. از جمله اینکه شما عدد قطره‌های باران یا تعداد ستاره‌ها و برگ‌های درختان را می‌دانید. امام چند بار سبحان الله گفت و سپس علم به این موارد را منحصر به خداوند دانست (کشی، بی تا، ص ۲۹۶).

۴. به انزوا کشاندن غلات

یکی از راههای مقابله امامان علیهم السلام با غلات انزوای اجتماعی آنان بود. تحقق بخشیدن به انزوای اجتماعی غلات از راه‌های مختلفی انجام شد.

۱-۴. بیان انحرافات و توطئه‌های غلات

از آنجا که برخی از رهبران غلات چهره‌های شناخته شده و موجهی در جامعه بودند و زمانی در جرگه یاران امام بودند مقبولیت لازم را برای تبلیغ و القای عقاید خود در میان مردم داشتند. به همین دلیل امامان علیهم السلام یکی از روش‌های برخورد با این گروه را در راستای بیان انحرافات فکری و فعالیت‌های آنان قرار دادند. برخی از نامه‌هایی که در این رابطه بین امام و یارانشان رد و بدل شده اعتقادات باطل و طرز تفکر غلات به تصویر کشیده شده است.

سهل بن زیاد گزارشگر نامه‌ای است که گروهی از یاران امام عسکری علیه السلام نوشته‌اند و محتوای نامه شامل موارد زیر است:

- برخی از تفکرات غلات مانند: باب بودن علی بن حسکه، قدیم اول بودن امام، تعطیل احکامی چون نماز، حج، زکات بعد از کسب معرفت نسبت به امام.

- گرایش بسیاری از مردم به سوی این شخص و نگرانی یاران .

- کسب تکلیف از امام در مورد چگونگی برخورد با این جریان . (طوسی، ۱۴۰۴، ۲/۸۰۴)

در روایتی دیگر امام به فعالیت‌ها و اعتقادات این گروه مانند تناسخ و الوهیت امام اشاره کرده و پرده از فسادهای اخلاقی و مالی آنان برداشته است. (طوسی، ۱۴۰۴، ۲/۸۰۵؛ کشی، بی‌تا، ص ۵۲۰ - ۵۲۱) امام حسن عسکری علیه السلام نیز بر اقدامات ابن بابای قمی تأکید داشت. از جمله اینکه آنان به نام ما اموال مردم را می‌خورند.

از جمله اقدامات زیان بار غلات که ضرر بزرگی به جامعه شیعی تا به امروز وارد کرد، جعل حدیث بود. ائمه علیهم السلام در این زمینه نیز هشدارهای جدی به یاران و شیعیان خود دادند. روایت امام صادق علیه السلام بیانگر اقدامات مغیره بن سعید در این زمینه است. وی و همکارانش از جمله غلاتی بودند که در میان یاران امام باقر علیه السلام نفوذ کرده و کتاب‌های یاران حضرت را گرفته و احادیثی جعلی وارد آنها کرده، سپس آنها را در میان مردم منتشر می‌کردند. امام غلوهای مطرح شده در کتابهای پدرشان را به مغیره نسبت میدادند. زمانی که یونس بن عبدالرحمان در مورد رد برخی احادیث مورد اعتراض قرار گرفت علت را این طور مطرح کرد: در سفر به عراق احادیثی را از یاران امام باقر و صادق علیهم السلام گرفتم و هنگامی که آنها را بر امام رضا علیه السلام عرضه کردم امام علیه السلام بسیاری از آنها را رد کرده فرمود: اینها از پدرانم نیست. (کشی، بی‌تا، ص ۲۲۵)

۲-۴. ترک همنشینی و نداشتن ارتباط با غلات

همنشینی شیعیان با غلات مشکلات زیادی به دنبال داشت. به خصوص اینکه برخی از شیعیان در مسائل اعتقادی ضعیف بوده و در مقابل توطئه‌ها و شبهات مقاومتی نداشته و سریع جذب این گروه‌ها می‌شدند. از این رو امامان علیهم السلام تأکید بسیاری بر جدایی و دوری شیعیان از اجتماعات آنها داشتند. زمانی که از امام رضا علیه السلام در مورد غلات سؤال شد حضرت به کفر آنان حکم داده فرمود: «هر کس با آنها بخورد و بیاشامد یا با آنها وصلت کند یا آنها را امانت دار خود قرار دهد یا با گفتار خود یاریشان دهد از ولایت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان خارج است» (مجلسی، ۱۹۸۳، ۲۵/۲۷۳). امام صادق علیه السلام نتیجه همنشینی و هم صحبت شدن با غلات و تصدیق آنان را از دست رفتن ایمان می‌داند (مجلسی، ۱۹۸۳، ۲۵/۲۷۰).

۳-۴. محرومیت از ارث

یکی از دستورات عمل‌های امامان در مورد برخورد با غلات که در ضمن برخی روایات مطرح شده است، محروم کردن آنان از ارث است. این مسئله نوعی تنبیه و مجازات اجتماعی برای آنان بود.

به طوری که هم از نظر روحی و روانی و هم از نظر منزلت اجتماعی و اقتصادی برای غلات مشکلاتی ایجاد کرد. محرومیت از ارث دیگران را متوجه علت این امر می‌کرد و عده‌ای به دنبال پاسخ رفته و اهداف امام برای روشن کردن انحرافات فکری غلات محقق می‌شد. امام صادق علیه السلام نیز در گفت‌وگوی خود با مفضل به محروم کردن آنها از ارث اشاره کرد. (طوسی، ۱۴۰۴، ص ۱۹۲-۱۹۱؛ مجلسی، ۱۹۸۳، ۲۵/۲۹۶)

۴-۴. اعلام بیزاری و لعن غلات

در مواردی که برخورد اصلاح‌گرانه نتیجه بخش نبود برخوردها شدیدتر می‌شد. امام صادق علیه السلام زمانی که سدیر از اعتقادات باطل غلات سخن می‌گفت به او فرمود:

ای سدیر گوش، چشم، پوست و گوشت من (کنایه از همه وجودم) از آنان بیزار است. خدا و رسولش از اینان بیزارند. آنان بردین من و پدران من نیستند و در روز قیامت خدا از آنان خشمگین است. (مجلسی، ۱۹۸۳، ۲۵/۲۹۸)

این برخورد نوعی مجازات و تنبیه برای آنان بود و تحقیر اجتماعی را به دنبال داشت. به بیان دیگر امام از مبنای خودشان علیه آنها استفاده کرد؛ زیرا آنان امام را خدا و ارباب خود می‌دانستند. حالا این خدا و ارباب می‌گوید از اینان بیزارم و بر آنان لعنت می‌فرستد. احمد بن هلال کرخی از یاران و وکیلان امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بود که به غلو و انحراف روی آورد و از رهبران غلات شد. به دلیل ویژگی‌های اخلاقی و ظاهر زاهدانه اش مورد توجه راویان قرار گرفته و چنان جایگاهی یافت که کمتر کسی متوجه انحراف وی شد. صدور سه تویع از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم در لعن و بیزاری از وی بیانگر جایگاه ویژه او در میان شیعیان است؛ زیرا نگاه مردم به وی همان نگاه قبل از انحرافش بود و به دلیل شک و تردید از نمایندگان امام خواستند دوباره در مورد ابن هلال از امام سؤال کنند. (کشی، بی تا، ص ۵۳۶ - ۵۳۷)

از نکات مهمی که در برخورد امامان با این گروه به چشم می‌خورد اثبات دروغ‌گویی آنان است. در حضور امام صادق علیه السلام سخن از غلات به میان آمد، حضرت فرمود: «شیطان به دروغ‌های آنان نیاز دارد» (طوسی، ۱۴۰۴، ۲/۵۸۷)، در روایتی دیگر غلات را از رسولان شیطان دانسته‌اند. (طوسی، ۱۴۰۴، ۲/۵۹۲).

امام صادق علیه السلام با ارائه تفسیری از آیه «تَنْزَلُ عَلٰی كُلِّ اَفَّاكٍ اَثْمٌ» (شعراء: ۲۲۲) به دروغ‌گویی آنان تصریح کرده، فرمود:

آیا می‌خواهید شما را از کسانی که شیاطین بر آنها نازل می‌شوند، خبر دهم؟ آنان ۷ نفرند: مغیره بن سعید، بنان، صائد، حمزه بن عماره، حارث شامی، عبدالله بن عمرو بن

حارث و ابوالخطاب. (طوسی، ۱۴۰۴، ۲/۵۹۱)

مفسران گفته‌اند: «أفاک» در آیه به معنی بسیار کذاب و دروغ‌گوست. و اصل افک یعنی قلب و دگرگونی. در واقع افاک کسی است که خیر درست را به نادرست تبدیل کند. (طوسی، ۱۳۸۹، ۶۹/۸؛ طباطبایی، بی تا، ۳۳۰/۱۵)

امام رضا علیه السلام در مورد دروغ‌گویی غلات فرمود:

بنان بر علی بن الحسین دروغ می بست. محمد بن بشیر بر موسی بن جعفر دروغ می بست، ابوالخطاب بر جعفر بن محمد دروغ بست. خداوند گرمای آهن را به آنان بچشاند و کسی که بر من دروغ می بندد محمد بن فرات است. (طوسی، ۱۴۰۴، ۲/۵۹۱)

در گزارشی دیگر امام علیه السلام ایمان ابوالخطاب را ایمانی عاریه‌ای دانسته که به دلیل دروغ بستن بر امام علیه السلام آن را از دست داده است. (طوسی، ۱۴۰۴، ۲/۵۸۴)

۵. صدور حکم قتل غلات

دستور درگیری با برخی از غلات و صدور حکم قتل آنان بیانگر خطر جدی بود که از ناحیه غلات متوجه شیعیان بود و امامان به خوبی این خطر را درک کرده بودند. امامان به طور معمول در برخورد با رهبران غلات احتیاط می کردند؛ زیرا احتمال بروز فتنه و اغتشاش در میان مردم می رفت و این به دلیل جایگاه آنان در جامعه بود. برخی از غلات در زمره وکیلان امام بودند، اما اقدامات سوء آنها باعث شد امام در برابر آنان موضع گرفته و به روشنگری و باطل کردن نظراتشان بپردازد و زمانی که چهره واقعی آنان بر مردم آشکار شد برخورد شدیدتری از سوی امامان صورت گرفت. امام هادی علیه السلام در ضمن توقیعی، شیعیان را مجاز به برخورد فیزیکی با غلات کرد. امام در مورد ابن حسکه قمی فرمود: «لعنت خدا بر او باد آنها را در تنگنا قرار دهید». (کشی، بی تا، ص ۵۱۹)

نامه های متعددی از سوی امام هادی علیه السلام به وکلا نوشته شد و در همه این نامه ها تأکید امام علیه السلام بر لعن فارس بن حاتم و بیزاری از وی و تلاش برای رسوا کردنش و در نهایت حکم قتل وی و تضمین بهشت برای قاتلش بود. امام در نامه فتنه‌گری و بدعت‌گزاری وی را علت قتلش دانسته است. حضرت خود مقدمات قتل وی را برای جنید فراهم کرد. (کشی، بی تا، ص ۵۲۴)

ابوالسمهری و ابن ابی الزرقا نیز از غلات دوران امام جواد علیه السلام بودند. امام علیه السلام بعد از بیزاری و لعن آنان از اسحاق انباری خواست آنان را بکشد. (کشی، بی تا، ص ۵۲۹)

۶. نتیجه‌گیری

در یک نگاه کلی می‌توان گفت که از فرقه‌هایی که به شیعه نسبت داده شده غلات است. این جریان از صدر اسلام در بین مسلمانان راه یافت. عواملی مانند جهل و نادانی مردم، علاقه و محبت بیش از حد، انگیزه‌های مادی، رهایی از قوانین دین و محدودیت‌های آن در گرایش مردم به سوی این جریان نقش داشت. پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام از همان ابتدا در برابر این جریان از دوراه وارد شدند: پیشگیری از ظهور و گسترش این فرقه؛ برخورد و درمان.

طبیعی است که از بین این دو روش مبارزاتی پیشگیری بسیار کارسازتر از درمان بود. بدین ترتیب که این روش کم هزینه‌تر و موفقیت‌آمیزتر بود؛ زیرا برنامه ریزی برای آلوده نشدن افراد به این جریان‌های انحرافی مهمتر بود؛ چون اگر مردم جذب آنها می‌شدند، خانواده، دوستان و کسانی که با آنان ارتباط داشتند تحت تأثیر تبلیغات آنان قرار می‌گرفتند. همچنین برای خودشان نیز دلبستگی ایجاد شده و دیگر جدایی از این اعتقادات مشکل بود و هیچ تضمینی وجود نداشت که درمان در مورد آنان نتیجه بخش باشد. در بحث پیشگیری، بزرگان دین تمام تلاش خود را برای بیان اندیشه و اعتقادات صحیح شیعه به کار گرفتند. عملکرد ائمه علیهم‌السلام در مرحله بعدی به انزوا کشیدن غلات بود که در این راستا به بیان انحرافات و توطئه‌های غلات، ترک همنشینی و ارتباط با آنان، محرومیت از ارث و در نهایت برخورد قهرآمیز و فرمان درگیری و قتل آنان بود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (بی تا). قم: موسسه الهادی مرکز چاپ و نشر قرآن کریم.
۱. ابن حنبل، احمد (بی تا). مسند. بیروت: دارصادر.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: نشر ادب حوزه.
 ۳. البغوی (بی تا). تفسیر البغوی. بیروت: دارالمعرفه.
 ۴. بختیاری، زهرا (۱۳۹۱). رفتار شناسی امام رضا علیه السلام در جریان غلو. نشریه تاریخ اسلام، شماره ۵۲.
 ۵. الشریف المرتضی (۱۴۱۴). الفصول المختاره. بیروت: دارالمفید.
 ۶. صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۷۸). غالیان. مشهد: آستان قدس.
 ۷. الطباطبایی، محمد حسین (بی تا). المیزان. قم: جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
 ۸. الطبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). احتجاج. مشهد: نشر مرتضی.
 ۹. الطوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۴). اختیار معرفه الرجال. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
 ۱۰. الطوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۹). التبیان. مکتبه الاعلام الاسلامی.
 ۱۱. الفخر الرازی (بی تا). تفسیر الرازی. بی جا.
 ۱۲. الفراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین. مؤسسه دارالهجره.
 ۱۳. الکنشی (بی تا). الرجال. بی جا.
 ۱۴. الکلینی (۱۳۶۳). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۵. المجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
 ۱۶. الموسوی خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۳). معجم رجال الحدیث. بی جا: بی نا.
 ۱۷. النیشابوری، حاکم (بی تا). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دارالمعرفه.
 ۱۸. الهیثمی، علی بن ابی بکر (۱۴۰۸). مجمع الزوائد. بیروت: دارالکتب العلمیه.